الباب الاول من الواحد التاسع فی ان عز کل الارض لله…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الاول من الواحد التاسع** فی ان عز کل الارض لله و فرد کل مداین لله و ان بیوت التی یومئذ تنسب الی الملوک من یصلی فیها من اولی البیان فلیصدق بمثقال من فضة الا و ان یسکنن فیه ما ینسب الی حروف الواحد او شهداء البیان و فی کل مقاعد العزة فلتخلیون عنها علی عدد الواحد مقام نفس اذا کان الارض واسعة و الا الواحد بلا عدد لیکفین العاملین و لابد ان یلحق محل ما قبض من النقطة فی احد الحرمین و یبنی علی ذلک المقعد بیتا من المرآت لیذکرن الله و یصلین فیها.

ملخص این باب آنکه عز هر ارضی لله بوده و راجع میگردد یوم ظهور ”بمن یظهره الله“ او بما اذن و همین قسم عز مداین و امکنه که از سلاطین قبل بوده اگر کسی از اهل بیان در آن نماز کند بر او است که یک مثقال فضه انفاق کند تا آنکه ساکن نشود در آنها الا شهداء بیان و مظاهر واحد

در هر مجلس عزی که منعقد گردد بلا عدل سزاوار است که مکان عدد واحد را خالی گذارده که اگر آن ساعت ”من یظهره الله“ با حروف حی ظاهر گردند کسی مقترن نگردد بجواهری که از بیان اخذ میشود در آن ظهور واگر مجلسی وسیع نباشد محل یک نفس اذن زیاده داده نشده و همچنین هر مقعدی محل یک نفس سزاوار است که خالی گذارند زیرا که دیده میشود که در بیت خود ”من یظهره الله“ هم این قسم ظاهر است که از مقعد آن منع مینمایند او را چونکه نمیشناسند او را لاحترام او باسم او ولی او میشناسد کل را و میخندد بر عبادیکه از برای اسم او این نوع اعظام و احترام ملاحظه مینمایند ولی یوم ظهور او از او محتجب میمانند با نیات خود

و طین ما قبض من النقطة امر شده که در یکی از حرمین واقع گردد و بر آن حجرۀ ازمرآت مرتفع شود که در آن مصلیان صلوة خود را ادا نمایند تا آنکه امارتی باشد در نزد خلق بر اینکه نقطه بیان عبدی بوده مخلوق و مرزوق و مولود و موروث و آنچه من الله تکلم نموده از او است نه از او که کسی غلو ننماید و از حد عبودیت تجاوز نکند چه سائرین در بیان سیر و عروج ایشان را نتوان اقتران داد بسائرین در قرآن چگونه رسد ما علی الارض ولی کل این سیاران طائفند حول سیاران در ظهور ”من یظهره الله“ زیرا که حق در آن روز بایشان ثابت میگردد نه بدون ایشان

و لتتقن الله فی کل ما نزل من عنده فان امر الله فی الاعلی مثل الادنی ان یا عباد الله فاتقون

